

تحلیل جغرافیایی زمینه های ناامنی و تنش در استان فارس

رضا جنیدی^۱

تاریخ دریافت: ۹۳/۷/۴

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۳/۱۰/۹

چکیده

اولین قدم در برقراری نظم و امنیت در یک جامعه، شناسایی عوامل مختلف تهدید کننده و تنش‌زا در آن است. از سوی دیگر علی‌رغم این که عوامل مختلف تهدید کننده‌ی امنیت، ماهیت‌های مختلف اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی، طبیعی و... دارند، اما تقریباً تمامی این عوامل دارای بعد و وابستگی مکانی هستند؛ یعنی در چهارچوب یک مکان ویژه با شرایط خاص ایجاد می‌شوند. بنابراین عوامل تهدید آفرین نیز قابل تجزیه و تحلیل جغرافیایی هستند. استان فارس به دلیل وسعت سرزمینی، از منظر عوامل جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی، تنوع و تعدد زیادی دارند. این تنوع و تعدد، تحت تاثیر عوامل فرهنگی، اقتصادی، جمعیتی، طبیعی و غیره، باعث شده است که بسیاری از عوامل تهدید آفرین، دارای ماهیتی مکانی - فضایی باشند. در این مقاله ضمن تحلیلی جغرافیایی از امنیت استان فارس، عوامل مکانی - فضایی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم، امنیت ساکنان استان مزبور را تحت تاثیر قرار داده‌اند در دو گروه جغرافیای انسانی و طبیعی مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.

واژگان کلیدی

جغرافیا، امنیت، تهدید، استان فارس



امنیت، پیش‌زمینه‌ی یک اجتماع سالم و احساس امنیت، بستر ساز توسعه‌ی جوامع انسانی است و سعادت اجتماع در گرو حفظ و بقای امنیت و احساس ناشی از آن است. ناامنی مکان‌ها و فضاها، عمومی، نشاط و سلامتی را در زندگی روزمره مختل می‌کند و با ایجاد مانع بر سر راه رشد فرهنگی و مشارکت عمومی، هزینه‌های زیادی را بر جامعه تحمیل می‌نماید (کامران و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۵).

امروزه با گسترده و پیچیده شدن جوامع، موضوع امنیت، ابعاد گسترده و پیچیده‌ای به خود گرفته است. امنیت که یکی از اصلی‌ترین عوامل پایداری جوامع امروزی به شمار می‌آید، همواره از بنیادی‌ترین نیازهای بشر و مسئله‌ی وقوع انواع جرایم از مهم‌ترین مسائل جوامع بشری بوده است که با افزایش و پیچیدگی جوامع شهری، شرایط تامین این نیاز و بر طرف کردن این مسئله نیز پیچیده تر شده است (هدایتی و عباسی، ۱۳۸۷: ۱۸۷). به همین دلیل، سالانه میلیاردها دلار، سرمایه‌ی مادی، صرف تامین امنیت شهرها و سکونتگاه‌های مختلف شده و حتی هزاران نفر جان خود را برای تامین این خواسته‌ی مهم، فدا می‌کنند.

واقعیت آن است که با وجود صرف هزینه‌های هنگفت در ارتباط با تامین امنیت شهروندان، هنوز امنیت کامل و کافی برای شهروندان تامین نشده است و هر روز، شاهد انواع و اقسام ناهنجاری‌های مختلف برای ساکنین شهرها به خصوص شهروندان شهرهای بزرگ هستیم. به طوری که بسیاری از شهروندان، از امنیت موجود، احساس رضایت نمی‌کنند (طاهر خانی، ۱۳۸۱: ۱۱).

محیط، انسان و زمان، عناصر مهم جرم هستند، بنابراین با درک صحیح قواعد مجرمین در انتخاب مکان و زمان رفتار مجرمانه، می‌توان نسبت به جلوگیری از وقوع جرم اقدام نمود (کلانتری، ۱۳۸۰: ۳). چنانچه بتوان امکان ارتکاب جرم و فرصت‌های کجروی را از جنبه‌های مختلف مکانی- فضایی و اجتماعی از مرتکب آن گرفت و یا این فرصت را کاهش داد و به حداقل رسانید، جامعه خیلی سریعتر راه سلامت را پیموده و نرخ تبهکاری به شکلی موثر کاهش خواهد یافت. بنابراین شناسایی کانون‌های جرم خیز و ویژگی جغرافیایی مکان‌های وقوع جرم و به دنبال آن اصلاح و ترمیم آن‌ها، می‌تواند کمک شایان توجهی در پیشگیری و کاهش جرم و جنایت و افزایش ضریب امنیت شهروندان بنماید.

روش تحقیق

روش مطالعه‌ی این پژوهش با توجه به ویژگی‌های خاص آن، تحلیلی- توصیفی و مبتنی بر استدلال و تحلیل است. در جمع‌آوری اطلاعات، از روش‌های گوناگون استفاده شده است و به طور کلی مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای، اسنادی و همچنین استفاده از منابع آماری وزارت



کشور است.^۱ در این پژوهش با توجه به ویژگی‌های خاص آن، تلاش شده است به اندازه‌ی کافی از نقشه استفاده شود.

ارتباط جغرافیا و امنیت

برای شناسایی و درک ارتباط میان جغرافیا با امنیت و ناامنی، ارائه‌ی مفهوم و تعریفی از هر دو واژه، الزامی است. در مورد مفهوم و قلمرو علم جغرافیا تعاریف زیادی وجود دارد. اما در تعریف متداول، جغرافیا را علم مطالعه‌ی روابط متقابل انسان و محیط می‌دانند که محیط نیز شامل دو محیط طبیعی (کوه، دشت، اقلیم و...) و محیط انسان ساخت (شهر، روستا، کشور و...) می‌شود. بنابراین با توجه به تعریف فوق، وظیفه‌ی جغرافی دانان، تنظیم و برنامه‌ریزی نحوه‌ی رابطه‌ی انسان و محیط است، به شکلی است که حداکثر رفاه، آسایش و امنیت را برای ساکنان همراه داشته باشد. در واقع کانون علم جغرافیا، مکان و فضای جغرافیایی است و هر پدیده‌ای که دارای ابعاد مکانی باشد، قابل تجزیه و تحلیل جغرافیایی است (پورا احمد، ۱۳۸۸: ۱۷۹).

در مورد مفهوم و تعریف امنیت نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ اما امری که مسلم است، امنیت در مقابل تهدید، معنی و مفهوم پیدا می‌کند. به عبارت دیگر امنیت عبارت است از تلاش در جهت کاهش تهدیدات از یک سو و افزایش توانایی از سوی دیگر؛ احساس امنیت را می‌توان در امان بودن یا در امان حس کردن خود از تهدید، تعریف نمود (افتخاری، ۱۳۸۱: ۳۱۴). در مقابل، احساس ناامنی و ترس بر وضعیتی دلالت دارد که در آن افراد با محیط تهدید کننده مواجه هستند. علاوه بر این، آسیب پذیری نقش کاتالیزور^۲ را در شروع، تسریع و تشدید تهدیدات علیه امنیت یک ناحیه ایفا می‌نماید. بنابراین در تحدید و تدبیر هر بحران، گونه‌شناسی آن، مقدمه‌ای لازم و غیرقابل اجتناب است. این مهم نیز حاصل نمی‌گردد مگر در پرتو شناخت (مبتنی بر اطلاعات) متغیرها و مقتضیات محیطی و یا مناسبات بینامحیطی که بسترساز ظهور و بروز نوعی خاص از تهدید شده‌اند.

در واقع عوامل جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی می‌توانند بسترساز نوعی ناامنی و تهدید در سطوح مختلف فضاهای جغرافیایی باشد. آنچه روشن است بعضی از مکان‌ها به دلیل ویژگی‌های کالبدی و محیطی و همچنین خصوصیات اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی ساکنین آن، امکان و فرصت بیشتری برای وقوع جرم دارند. برعکس بعضی مکان‌ها مانع و بازدارنده‌ی فرصت‌های مجرمانه هستند و همین امر موجب شده است تا در دو دهه‌ی گذشته،

۱. آمار به کار رفته در ترسیم تعدادی از نقشه‌ها مربوط به دوره زمانی ۸۴-۱۳۷۹ می‌باشد که مقداری قدیمی است و این به دلیل محدودیت و خودداری نهادهای مربوطه از دادن اطلاعات جدید به دلیل محرمانه بودن برخی از آمار است.



سیاست‌مداران و محققان به مکان و زمان جرم جهت کنترل و جلوگیری از بروز جرم، توجه ویژه‌ای نشان دهند (Meagan, 2004: 12).

امروزه در بررسی‌های جهانی این نکته به اثبات رسیده است که مجرمین در انتخاب مکان و زمان جرم، مکان ارتکاب جرم را به خوبی و با دقت در نظر می‌گیرند (رحیمی، ۱۳۸۵: ۵). بنابراین میان جغرافیا و امنیت رابطه‌ی معناداری وجود دارد، بدین صورت که عوامل و ویژگی‌های جغرافیایی که طیف گسترده‌ای از موقعیت، شکل، وسعت، ویژگی‌های فضایی-فاصله‌ای، توزیع جمعیت و ... را شامل می‌شود، بر امنیت و سیاست‌های امنیتی تاثیرگذار است و همین اثرگذاری، بر کیفیت ایفای نقش نیروی انتظامی تاثیر می‌گذارد. لذا درک درست این متغیرها سبب افزایش و ارتقای کارکردهای نیروهای انتظامی می‌شود (شوازی، ۱۳۸۷: ۶۲).

در استان فارس نیز پاره‌ای از عوامل و زمینه‌های جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی، امنیت محلی و ناحیه‌ای را در این استان تهدید می‌کند. ذکر این نکته ضروری است که در رویکرد اکولوژیک، اگرچه تقسیم‌بندی علم جغرافیا (انسانی-طبیعی) انجام نمی‌پذیرد و این علم به طور ترکیبی پدیده‌های جغرافیایی را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد؛ اما در این تحقیق برای طبقه بندی مشخص تر، عوامل جغرافیایی به دو گروه جغرافیای انسانی و طبیعی تقسیم بندی می‌شود.

یافته های تحقیق

جغرافیای انسانی استان فارس (فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، جمعیتی)

منابع تهدید جغرافیای انسانی در سطح استان فارس شامل ویژگی‌های جغرافیای فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و جمعیتی می‌شود. از جمله این چالش‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

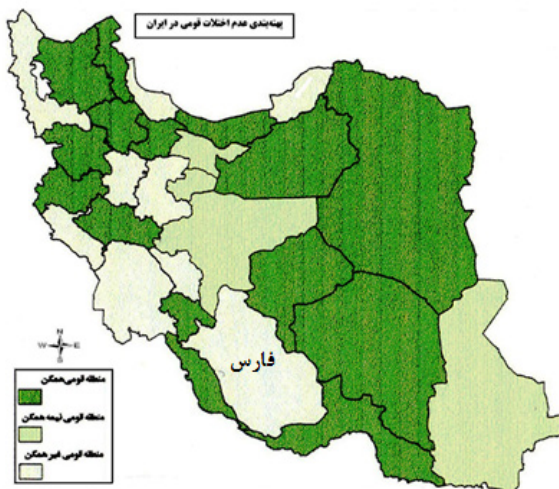
ساختار قبیله‌ای و ایلیاتی

جغرافیای فرهنگی استان فارس را موزائیکی از اقوام، طوایف و فرهنگ‌های مختلف تشکیل داده است. استان فارس از جمله استان‌هایی است که جمعیت قابل توجهی از آن را جمعیت عشایری و ایلی تشکیل می‌دهد. ایل‌ها و طوایف بزرگی مانند قشقایی با شش طایفه بزرگ دره شوری، شش بلوکی، عمله، فارسیمدان، کشکولی بزرگ و کوچک؛ ایل خمسه با طوایف اینالو، باصری، بهارلو، عرب و نفر؛ ایل ممسنی با طوایف بکش، جاوید، دشمن زیاری و رستم و همچنین طوایف مستقلی مانند کوهمره سرخی، کوهمره جروق و کوهمره نودان، اشاره کرد (جغرافیای استان فارس، ۱۳۸۵: ۱۷). علاوه بر این، قومیت‌های مختلف ترک، لر، فارس و عرب با جمعیت قابل توجه و گویش‌های مختلف و وجود بیش از ۴۳۰۰ روستای مسکونی با



خرده فرهنگ‌های متمایز، موجب شکل‌گیری اختلات فرهنگی شدیدی در استان فارس شده است. به طوری که بر اساس مطالعات طرح جامع تقسیمات کشوری، مطالعات سیاسی-امنیتی وزارت کشور در سال ۱۳۷۹، استان فارس از لحاظ قومی جزو استان‌های ناهمگن قرار گرفت

نقشه شماره ۱: پهنه بندی عدم اختلاف قومی در ایران



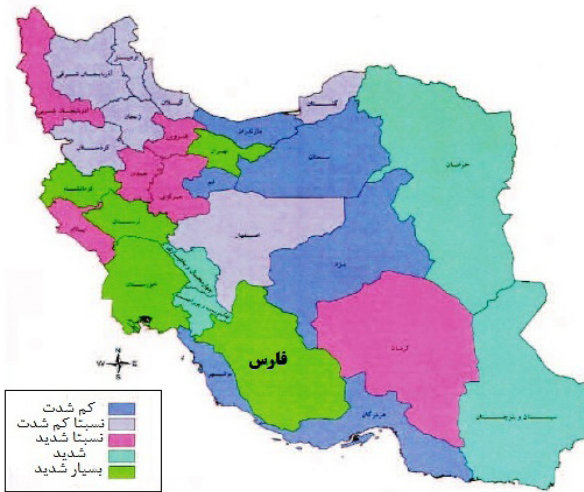
منبع: (وزارت کشور، ۱۳۷۹: مطالعات طرح جامع تقسیمات کشوری، مطالعات سیاسی-امنیتی)

اگرچه عدم اختلافات قومی در مقیاس ملی موجب در انزوا قرار گرفتن آن‌ها و احساس جدایی از بدنه‌ی ملت را در پی دارد که دارای پیامدهای منفی امنیتی است؛ اما برخی اختلافات قومی در مقیاس محلی و ناحیه‌ای در شرایطی که تعصب قومی و قبیله‌ای در میان اقوام مختلف وجود داشته باشد، پیامدهای منفی متعددی را به بار خواهد آورد. در استان فارس نیز علی‌رغم اسکان و یک‌جانشین شدن قسمت عمده‌ای از جمعیت عشایری، هنوز اندیشه‌ی ایلپاتی و طایفه‌ای به شدت در آن‌ها وجود دارد. از پیامدهای امنیتی چنین ساختاری، حمایت قبیله و طایفه از افراد خود به هر قیمت در مقابل حکومت و نهادهای دولتی است. در واقع در چنین زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، میزان پذیرش و مقبولیت ایلی بیش از حاکمیت و دستورات حکومتی است؛ چنین وضعیتی از نفوذ حکومت و کارگزاران حکومتی در میان مردم می‌کاهد. این امر از نظارت حاکمیت در این منطقه از فضای کشور می‌کاهد و زمینه را برای فعالیت‌های غیر قانونی فراهم می‌آورد (قالیباف، ۱۳۷۵: ۸۰). به علاوه، این اختلافات، زمینه را برای رقابت‌های قومی و محلی در سطح استان فراهم آورده است. این ویژگی حتی موجب درگیری میان نواحی مختلف در به‌دست آوردن مرکزیت واحدهای تقسیمات کشوری نیز شده است. در واقع جغرافیای فرهنگی استان فارس و وجود



ساختار ایلی و قبیله‌ای در آن، یکی از دلایلی است که باعث شده استان فارس از نظر میزان نزاع‌های مسلحانه و دسته جمعی در کنار استان‌های خوزستان، تهران، لرستان و کرمانشاه، بالاترین میزان آمار را داشته باشد. (نقشه شماره ۲)

نقشه ۲: نزاع مسلحانه در ایران بر حسب استان، بین سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۴



(وزارت کشور، ۱۳۸۴ و معاونت اجتماعی ناجا ۱۳۸۵)

پدیده مهاجرت و گتوهای شهری (حفره های دولتی)^۱

مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می پذیرد. مهاجرینی که در توشه‌بار خود، اعتقادات و آداب و رسوم زادگاه خویش را به همراه دارند، در مواجهه با ارزش‌های فرهنگی و الگوهای رفتاری رایج در جامعه‌ی شهری، دچار تعارضات و تناقضاتی می‌گردند (رجعتی، ۱۳۸۹: ۱). حاشیه‌نشینان بارزترین نتیجه مهاجرت به شهرها به شمار می‌آید (جمالی، ۱۳۸۱: ۶۵).

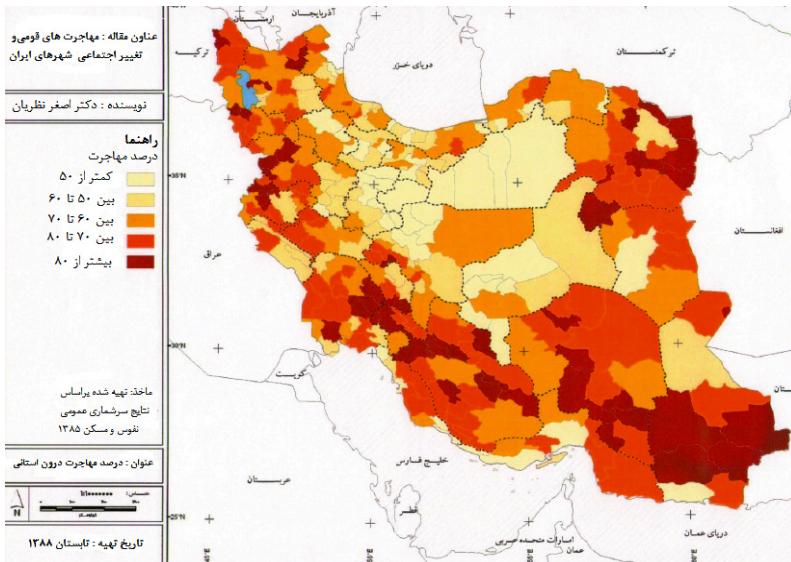
جامعه‌شناسان مکتب شیکاگو نظیر «پارک» بر این باورند که مهاجرت و حاشیه‌نشینی در درون حوزه‌ی کلان شهرها ارزش‌ها و سنت‌های بزه‌کارانه و جنایی را توسعه می‌دهند (محمدی، ۱۳۸۷: ۱۸۴). در واقع، گتوها و مناطق حاشیه‌نشین، علاوه بر ویژگی کالبدی-اقتصادی و بهداشتی نامناسب، بستر ساز جرایمی مانند اعتیاد و قاچاق مواد مخدر، سرقت، تجمعات غیرقانونی و نزاع‌های دسته‌جمعی و وندالیسم و تخریب اموال عمومی می‌باشند (رجعتی، ۱۳۸۹: ۹-۷).

استان فارس نیز دارای مهاجرت درون استانی بالا است؛ به طوری که در پژوهشی با عنوان



«مهاجرت‌های قومی و تغییرات اجتماعی شهرهای ایران»، تقریباً تمام شهرستان‌های استان فارس دارای بیش از ۵۰ درصد مهاجرت قومی و بین‌شهرستانی بوده‌اند (نقشه شماره ۳).

نقشه شماره ۳: درصد مهاجرت‌های درون استانی در قلمرو شهرستان‌های کشور ۸۵-۱۳۷۵



(نظریان، ۱۳۸۸: ۲۲)

این امر در کلان شهر شیراز به صورت گتوهای شهری بروز پیدا کرده است. مناطقی مانند: شیخ علی چوپان، ده پیاله، شریف آباد، سهل آباد، عادل آباد، مهدی آباد (کتسبس) و شهرک‌های زیر کمربندی که عمدتاً در دهه‌های اخیر و به دور از نظارت مدیران شهری و با مصالح نامرغوب ایجاد شده‌اند، محلی مناسب جهت انواع بزهکاری محسوب می‌شوند (تقوایی، ۱۳۸۹: ۱۲۳) و آمار جرم و جنایت بالایی را نشان می‌دهند. این مناطق که در آن قوانین و مقررات دولتی به خوبی اجرا نمی‌شود و اقتدار حاکمیت به چالش کشیده می‌شود، در اصطلاح جغرافیای سیاسی حفره‌های دولتی یا مناطق خاکستری نام دارند. در استان فارس حفره‌های دولتی تنها منطبق به گتوها و مناطق حاشیه نشین نیست؛ بلکه روستاها و آبادی‌هایی در جنوب و جنوب شرق استان که به خرید، توزیع و فروش مواد مخدر مبادرت می‌ورزند، در زمره‌ی مناطق خاکستری و حفره‌های دولتی به شمار می‌آیند که مستلزم بررسی دقیق و کارشناسی هستند.



ترانزیت مواد مخدر و قاچاق کالا

مواد مخدر در تمامی جنبه‌های تولید، ترانزیت، توزیع، فروش و مصرف، فعالیتی ضد امنیتی و جرم‌زا محسوب می‌شود. علاوه بر این، مواد مخدر، هزینه‌ها و خسارت‌های زیادی را در جنبه‌های مختلف مبارزه‌ی فیزیکی با قاچاقچیان، درمان، نگهداری و بازپروری معتادان و همچنین افزایش هزینه‌های تجهیزات نیروی انتظامی را در پی دارد (رئیس دانا، ۱۳۸۱: ۱۰۵). جمهوری اسلامی ایران نیز به دلیل موقعیت جغرافیایی و قرارگیری در کنار بزرگترین تولیدکننده‌ی مواد مخدر جهان، بیشترین میزان خسارت‌های جانی و مالی را متحمل شده است (محمدی و غنی، ۱۳۸۵: ۹). در این میان موقعیت جغرافیایی استان فارس و نزدیکی و همسایگی با استان‌های شرقی (کرمان) باعث شده است که استان فارس تحت تاثیر ترانزیت مواد مخدر و پیامدهای امنیتی ناشی از آن قرار گیرد. (نقشه شماره ۴)

نقشه شماره ۴: مسیرهای ورود مواد مخدر به کشور



Source: www. Geopium. Org

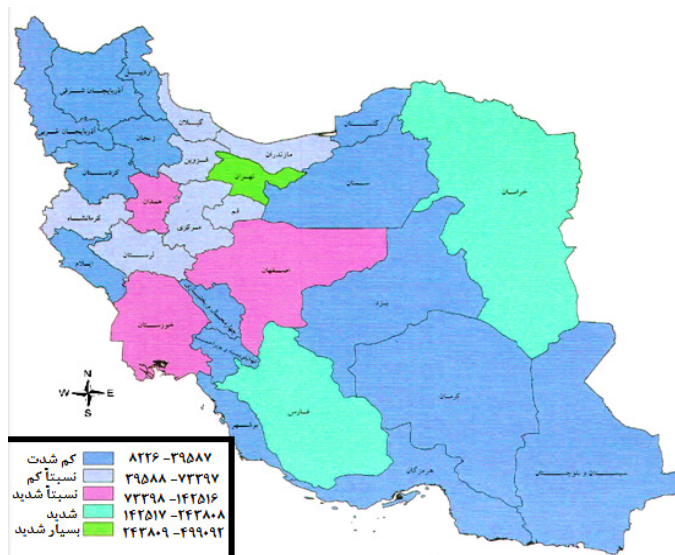
براساس آمار وزات کشور، بین سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴، استان فارس در میان استان‌های کشور بعد از تهران بیشترین میزان مصرف مواد مخدر را به خود اختصاص داده و در واقع یکی از مهم‌ترین کانون‌های جغرافیایی فروش و مصرف مواد مخدر در سطح کشور به شمار می‌آید (نقشه شماره ۴). بنابراین شناخت نقش عوارض و اشکال جغرافیایی سطح زمین و فرایندهای ناشی از آن، در تسهیل قاچاق مواد مخدر توسط قاچاقچیان و همچنین محدودیت‌های حاصل از این اشکال در بحث پیشگیری و مبارزه با مواد مخدر، اهمیت بالایی دارد (عبادی نژاد و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۷۰).

از عوامل جغرافیایی تاثیرگذار در ورود مواد مخدر به استان فارس و مصرف بالای آن، می‌توان به وجود صدها کیلومتر نواحی کم جمعیت و یا بدون جمعیت در مجاورت استان کرمان اشاره کرد که بستر مناسبی را برای سوءاستفاده‌ی قاچاقچیان مواد مخدر فراهم



آورده است. همچنین وجود عوارض ژئومورفولوژی استان فارس مخصوصاً در نواحی شرقی و جنوب شرقی استان فارس از جمله کویر قطرویه، بستر خشک شده‌ی دریاچه‌ی بختگان و دیگر نواحی بیابانی، فضاهای مناسبی را برای ترانزیت مواد مخدر فراهم آورده است. علاوه بر ترانزیت مواد مخدر، موقعیت جغرافیایی استان فارس و مجاورت با استان های ساحلی بوشهر و هرمزگان، این استان را مستعد افزایش قاچاق کالا در شکل‌های مختلف نموده است. در واقع استان فارس و مخصوصاً شهر شیراز به بارانداز قاچاق کالا در جنوب کشور تبدیل شده و با معضل ورود کالای قاچاق مواجه است. کالاهای قاچاق با رسیدن به شهر شیراز به ساحل آرامش دست پیدا می‌کنند و امکان فروش و انتقال آن‌ها بسیار آسان تر می‌شود. از آنجایی که قاچاق کالا ضربه‌ی سنگینی به اقتصاد کشور به طور کلی و صنایع و مراکز تولیدی استان به شکل خاص وارد می‌کند، تهدیدی جدی علیه امنیت ملی کشور به حساب می‌آید.

نقشه شماره ۵: آمار اعتیاد در کشور بر حسب استان در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۴



(وزارت کشور، ۱۳۸۴ و معاونت اجتماعی ناجا ۱۳۸۵)

توسعه‌ی نا متوازن ناحیه‌ای

شاخص‌های توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و فضای، حاکی از آن است که ایران دارای ساختار فضایی مرکز-پیرامون^۱ هم در مقیاس ملی و هم در مقیاس منطقه‌ای و محلی است (حافظ نیا، ۱۳۸۱: ۱۸۷-۱۸۶). در استان فارس نیز مانند سایر نقاط کشور هرچه از مرکز (شیراز) به طرف پیرامون حرکت کنید، از میزان توسعه کاسته و به میزان محرومیت



افزوده می‌شود. براساس پژوهشی که توسط معاونت مدیریت نظارت راهبردی ریاست جمهوری با عنوان «شناسایی نواحی کمتر توسعه یافته» انجام شده است، شهرستان‌های کشور از نظر میزان محرومیت در ۵ رتبه طبقه‌بندی شده‌اند. به این نحو که گروه ۱ یا رتبه ۱ شامل شهرستان‌هایی هستند که دارای بیشترین میزان محرومیت هستند و رتبه ۵ شامل شهرستان‌هایی می‌شوند که کمترین محرومیت یا بیشترین میزان برخورداری را دارا می‌باشند که در این میان وضعیت شهرستان‌های استان فارس به شکل زیر است.

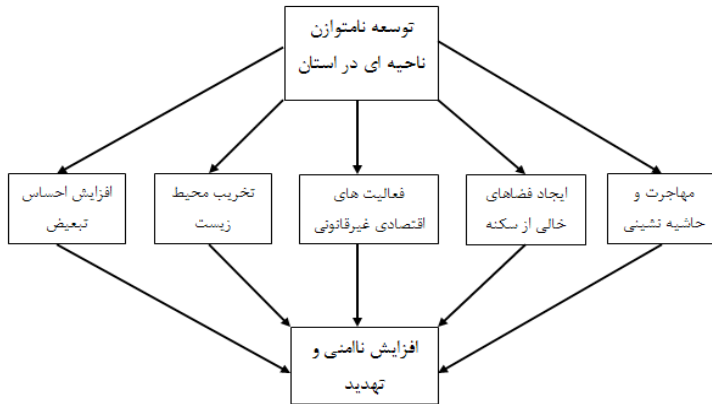
رتبه ۱	رتبه ۲	رتبه ۳	رتبه ۴	رتبه ۵
بوانات	خنج	پاسارگاد	مرودشت	شیراز
ممسنی	زرین‌دشت	فراشبند	فسا	آباد
.....	سپیدان	فیروزآباد	جهرم	استهبان
.....	فیروزکارزین	کازرون	ارستان	خرم‌بید
.....	لامرد	لارستان
.....	مهر	نیریز
.....	داراب

از بررسی میزان توسعه شهرستان‌های استان مشخص می‌شود که بیشتر شهرستان‌های توسعه یافته در مرکز استان قرار دارند و شهرستان‌های کمتر توسعه یافته در نواحی پیرامونی مخصوصاً در جنوب و جنوب شرق. این ویژگی جغرافیای اقتصادی استان، به طور مستقیم و یا غیر مستقیم دارای پیامدهای امنیتی است که عبارتند از :

- ادامه‌ی روند مهاجرت و حاشیه نشینی در استان که پیامدهای امنیتی آن در قسمت‌های قبل توضیح داده شد.
- خالی شدن بخش‌های وسیعی از مناطق جنوبی و شرقی از جمعیت مخصوصاً نواحی روستایی و توزیع نامتعادل جمعیت در سطح استان، ایجاد فضاهای متروک، زمینه ساز فعالیت‌های ضد امنیتی است.
- روی آوردن جوانان به فعالیت‌های اقتصادی غیر قانونی مانند: قاچاق کالا و یا توزیع و فروش مواد مخدر.
- افزایش تخریب محیط زیست و فشار اکولوژیکی به‌ویژه در اثر تجمع و رشد بی رویه جمعیت در برخی از نواحی.
- افزایش احساس تبعیض و فاصله‌ی طبقاتی و در نتیجه واگرایی از قانون و حکومت مرکزی.



مدل شماره ۱: ارتباط بین توسعه نامتوازن ناحیه‌ای و شکل‌گیری ناامنی



ضعف شبکه‌ی ارتباطی

یکی از زیرساخت‌های مهم در توسعه‌ی اقتصادی شهرها و کشورها، سیستم جاده‌ای و حمل و نقل مناسب است. بر همین اصل، ایمنی حمل و نقلی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. معیار سنجش ایمنی راه، تعداد تصادف‌های جاده‌ای است که این تصادف‌ها برآیندی از رفتار و نقش رانندگان، عمل جاده و عامل محیطی است (سلیمانی کرمانی و جهانی، ۱۳۸۸: ۱۱۲). استان فارس در زمینه‌ی شبکه‌ی ارتباطی (جاده‌ای و ریلی) از لحاظ کمیت و کیفیت در شرایط مناسبی نیست. ضعف شبکه‌ی ارتباطی در سطح استان موجب شده است که میزان دسترسی و اتصال داشتن مناطق پیرامونی استان با مرکز، ناچیز باشد و فاصله‌ی زمانی زیادی برای رسیدن به مرکز استان صرف شود. از سوی دیگر کیفیت پائین شبکه‌های ارتباطی (مخصوصاً جاده‌ای) موجب شده است استان فارس در زمینه‌ی میزان تلفات جاده‌ای، آمار بالایی را در سطح کشور به خود اختصاص دهد. در واقع در استان فارس بسیاری از مسیرها و جاده‌ها فاقد شرایط لازم طراحی، عملکردی و کنترلی هستند و به صورت مکان‌های تصادف خیز در آمده‌اند. عبدالرزاق برزگر، معاون سازمان پزشکی قانونی ایران، بر اساس آمارها، استان تهران با ۲۲۷۳ نفر، فارس با ۱۸۶۳ نفر و خراسان رضوی ۱۸۴۹ نفر بیش‌ترین تلفات ناشی از تصادفات را داشته‌اند و استان‌های ایلام با ۱۷۶ نفر و کهگیلویه و بویر احمد با ۱۸۴ نفر، کم‌ترین تعداد کشته‌های حوادث رانندگی را داشته‌اند. فروردین امسال نیز بالاترین آمار تلفات ناشی از حوادث رانندگی در استان خوزستان با عدد ۱۵۴ کشته ثبت شد. بعد از خوزستان، استان فارس با ۱۵۱ کشته قرار دارد (خبرگزاری مهر، ۱۱ / ۵ / ۱۳۹۰). روزنامه‌ی شرق در شماره یکشنبه ۱۵ آبان ۱۳۹۰ نوشت، استان خراسان رضوی با ۳۳۱، فارس با ۲۶۰ و تهران با ۲۴۷ مرگ ناشی از تصادفات موتورسیکلت، در رتبه نخست تا سوم قرار دارند. بنابراین سوانح



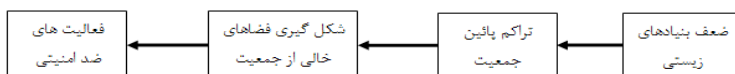
رانندگی پس از بیماری‌های قلبی و عروقی، دومین عامل مرگ و میر در ایران و همین طور استان فارس محسوب می‌شود. از آنجایی که استان فارس از نظر تلفات رانندگی آمار بسیار بالایی را نشان می‌دهد، لزوم توجه به امنیت جاده‌ها و شبکه‌های ارتباطی، باید به صورت جدی در دستور کار پلیس راهور و راهنمایی رانندگی استان فارس قرار بگیرد.

جغرافیای طبیعی

استان فارس به دلیل وسعت و کشیدگی در عرض جغرافیایی، از منظر جغرافیای طبیعی دارای ویژگی‌های متعددی و مختلف اقلیمی، گیاهی، زمین شناسی و ... است. پاره‌ای از شرایط طبیعی در برخی نواحی استان موجب نا امن شدن طبیعی فضا شده است که از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

الف. ضعف بنیادهای زیستی

بنیادهای زیستی عوامل و متغیرهایی هستند که وجود آنها در شکل‌گیری، گسترش، تکامل و بقای حیات اجتماعات انسانی تاثیر دارند و عبارتند از: فضا و وسعت سرزمینی، اقلیم و ساخت آب و هوایی، منابع آب، خاک و گونه‌های گیاهی و حیوانی. بخش‌هایی از نواحی شرقی و جنوبی استان فارس به دلیل مجاورت با کمربند بیابانی دنیا و کمبود بارش، بسیار کم آب است. از سوی دیگر فرسایش خاک و نبود و یا کمبود پوشش گیاهی در بسیاری از نواحی شرق و جنوب و حتی مرکز استان مشهود است. مجموع این شرایط و ویژگی‌های مکانی در این نواحی از استان، موجب شده است که جمعیت قابل توجهی در آنها ساکن نباشد و عرصه‌های وسیعی از استان با تراکم کم جمعیت مواجه باشد. این فضاهای خالی و گسترده، بستر مناسبی را برای فعالیت گروه‌های مخل امنیت و شرارت‌ها فراهم می‌آورد؛ زیرا که بر اساس مطالعات امنیتی، بین وجود یا نبود جمعیت در یک فضای جغرافیایی و امنیت، ارتباط مستقیمی وجود دارد. یعنی وجود جمعیت از بسیاری از فعالیت‌های مخل امنیتی جلوگیری می‌کند و برعکس نبود جمعیت یا کمبود آن، زمینه‌ساز برخی از فعالیت‌های غیر قانونی است. بنابراین ضعف بنیادهای زیستی در برخی از نواحی استان فارس با دو متغیر واسطه‌ای تراکم پائین، و وجود فضاهای خالی از جمعیت، شرایط فعالیت ضد امنیتی را فراهم آورده است.



علاوه بر این، کمبود منابع آب برای کشاورزی موجب درگیری‌های محلی بین ساکنان و کشاورزان خواهد شد که چالش‌هایی را برای امنیت ناحیه به دنبال خواهد داشت.



مخاطرات طبیعی

مخاطرات طبیعی شامل طیف گسترده‌ای عوامل طبیعی شامل سیل، زلزله، خشکسالی، فوران آتشفشان و بسیاری از موارد دیگر می‌شود. محیط طبیعی استان فارس از حیث وجود عوامل تهدید کننده طبیعی، شرایط مناسبی را ندارد. مهم‌ترین پدیده‌های طبیعی تهدید کننده در استان فارس عبارتند از:

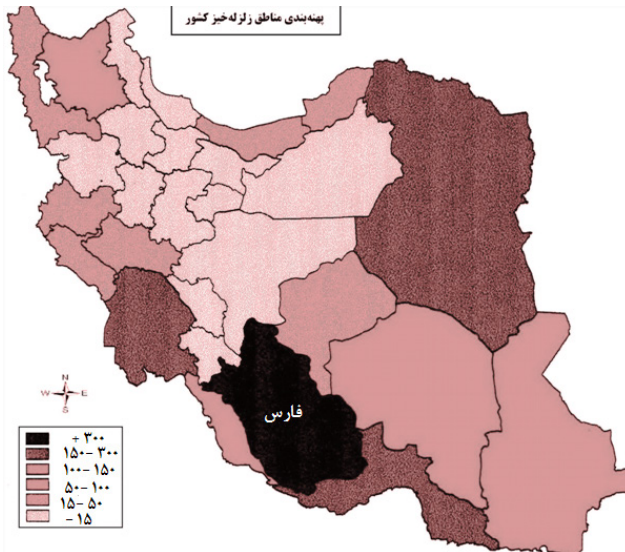
زلزله: به دلیل قرار گرفتن ایران در کمربندهای زلزله خیز دنیا، تقریباً همه جای ایران زلزله خیز است. اما کانون زمین لرزه‌های ثبت شده در جنوب گسل زاگرس (زاگرس فارس) واقع شده است (علایی طالقانی، ۱۳۸۲: ۴۶). پهنه‌بندی تعداد وقوع آنها نشان می‌دهد که استان فارس با بیشترین تعداد وقوع زلزله در ایران یعنی با ۳۲۲ بار لرزش در یک دوره ۲۵ ساله، بیشترین آمار را به خود اختصاص داده است (نقشه شماره ۵). زلزله خیزی منطقه‌ی زاگرس که استان فارس در آن قرار دارد، ناشی از فشارهایی است که صفحه‌ی عربستان به این منطقه وارد می‌آورد. فعالیت‌های زمین ساخت زاگرس و وجود گسل‌های متعدد از عوامل مهم زلزله خیزی استان به شمار می‌آید.

بررسی زلزله‌های ثبت شده در استان فارس نشان می‌دهد که در قرن اخیر، بیش از ۱۰۰۰ زلزله‌ی بزرگ‌تر از ۳٫۵ ریشتر در این پهنه‌ی گسترده رخ داده و تنها در ۱۵۰ سال اخیر، بیش از ۷۰ زلزله‌ی آن به شدت ۶٫۹ - ۵ ریشتر بوده است. بزرگترین این زلزله‌ها، زلزله‌ی ۲۱ فروردین ماه ۱۳۵۱ در منطقه‌ی قیر و کارزین با قدرتی برابر ۶٫۹ ریشتر و زلزله‌ی شهر لارستان در سال ۱۳۳۹ به قدرت ۶٫۸ ریشتر است. تنها در دو دهه‌ی اخیر، زلزله‌های متعددی بین ۶٫۵ - ۵ ریشتر در استان رخ داده که کانون آن‌ها اغلب در شهرستان‌های ممسنی، کازرون، داراب، زرین دشت، فیروزآباد، میمند و اطراف شیراز بوده است (جغرافیای استان فارس، ۱۳۸۵: ۴۹).

زلزله خیز بودن استان فارس ایجاب می‌کند که به محل استقرار کارخانه‌ها و مجتمع‌های صنعتی، از نظر ویژگی‌های زمین ساخت منطقه، توجه خاصی شود تا از حوادث ناگواری که بر اثر زلزله‌ها رخ می‌دهد، جلوگیری شود یا خسارت کمتری به تاسیسات وارد آید. با افزایش آگاهی عمومی، برنامه‌ریزی و استفاده از اصول فنی و مهندسی در ساخت بناها، منازل مسکونی، تاسیسات صنعتی و ساختمان‌های اداری در مناطق شهری و روستایی استان، می‌توانیم میزان خسارت‌های ناشی از زلزله را کاهش دهیم.



نقشه شماره ۶: پهنه‌بندی تعداد وقوع زلزله در ایران بر حسب استان



(وزارت کشور، ۱۳۸۴: مخاطرات طبیعی)

خشکسالی: پدیده‌ی خشکسالی در استان فارس همواره وجود داشته است؛ اما در چند سال اخیر بر شدت آن افزوده شده است. خشکسالی تأثیر قابل توجهی بر فعالیت‌های اقتصادی - زیستی ساکنان استان فارس مخصوصاً در نواحی جنوبی و شرقی استان و جمعیت روستایی گذاشته است. از پیامدهای خشکسالی در استان می‌توان به مواردی مانند: خشک شدن دریاچه‌های استان از جمله دریاچه بختگان، پریشان و کافترا، کاهش محصولات کشاورزی به علت کمبود آب، از بین رفتن باغ‌ها، مهاجرت و شکل‌گیری روستاهای بدون سکنه، کاهش پوشش گیاهی و گسترش بیابان (بیابان زایی)، فرسایش خاک و در نهایت شکل‌گیری سیلاب در هنگام بارندگی، اشاره کرد.

در میان این عوامل، خشک شدن دریاچه‌ها مخصوصاً دریاچه‌ی بختگان اهمیت بیشتری دارد؛ از جمله تهدیدات ناشی از خشک شدن دریاچه بختگان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- گسترش مشکلات بهداشتی در منطقه؛ سالک از جمله دستاوردهایی بود که خشکسالی به واسطه خشکی دریاچه بختگان و مشکلات بهداشتی منطقه به بختگان‌نشینان هدیه داد (www.jamejamonline.ir)

- اثرگذاری بر اکوسیستم منطقه. قبل از خشکی دریاچه هوای منطقه مرطوب بود و با خشک شدن دریاچه، اقلیم منطقه تغییر یافته و تأثیراتی نیز بر جای گذاشته است از جمله اینکه هوای منطقه غبارآلود است و اگر باد وزش داشته باشد رسوبات نمکی کف دریاچه را با خود برده و این امر علاوه بر اینکه رسوبات روی جنگل و مراتع را می‌پوشاند و آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد، در دراز مدت نیز بر روی حیات وحش تأثیر می‌گذارد. با



خشک شدن دریاچه‌ی بختگان، پرنندگان مهاجر و کوچ کننده به سوی بختگان نیامده، در نتیجه اکوسیستم بهم خورده و بیابان جایگزین آن شده است.

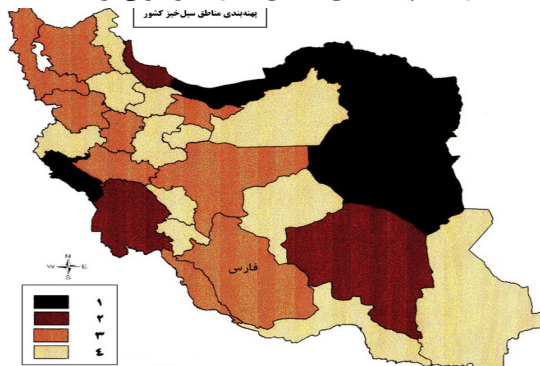
- تاثیرگذاری در کشاورزی. چاه‌های پیرامون دریاچه، نخست شور (همان گونه که برخی از آن‌ها هم اکنون شده‌اند) و پس از آن تلخ خواهند شد (یعنی زه دریاچه را خواهند کشید). بدین ترتیب آب موجود نه تنها دیگر کوچک‌ترین سودی برای کشاورزی نخواهد داشت بلکه در آینده باعث نابرابری زمین‌های کشاورزی هم خواهد شد که گاهی برای بازیافت آن‌ها چندین ده سال وقت لازم است. از سوی دیگر، با خشکی دریاچه، دیگر بخار آبی از دریاچه برنخواهد خواست و در نتیجه محصولات کوهی نیریز و استهبان (به‌ویژه انجیر و بادام) به شدت کاهش خواهد یافت. (<http://fa.wikipedia.org>)

- بستر خشک و گسترده‌ی دریاچه بختگان در شرق استان فارس به دلیل موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های توپوگرافی، مسیر مناسب و جدیدی را برای ترانزیت مواد مخدر در اختیار قاچاقچیان مواد مخدر قرار داده است.

سیلاب: برخی از نواحی استان فارس به دلیل شرایط آب و هوایی (تاثیر پذیری از توده های هوای مرطوب موسمی)، کمبود و یا نداشتن پوشش گیاهی، وجود ناهمواری‌ها و شیب زیاد دامنه‌ها از نقاط آسیب پذیر در مقابل سیلاب می‌باشند. این نقاط بیشتر در نواحی جنوبی و شرقی استان قرار گرفته است. در مجموع استان فارس از نظر میزان وقوع سیل در میان استان‌های کشور، وضعیت متوسطی را دارا می باشد (نقشه شماره ۶).

تخریب محیط زیست: بهره برداری بیش از اندازه از مراتع و جنگل‌ها، برداشت‌های بی رویه از منابع آب زیر زمینی، افزایش حفر چاه‌های عمیق و نیمه عمیق در سطح استان، افزایش بهره برداری از زمین‌های کشاورزی و وارد آوردن فشار اکولوژیکی به محیط طبیعی، از دیگر چالش‌ها و تهدیدهایی است که امنیت ساکنین استان فارس را تحت تاثیر قرار داده است.

نقشه شماره ۷: پهنه‌بندی مناطق سیل خیز ایران بر حسب استان



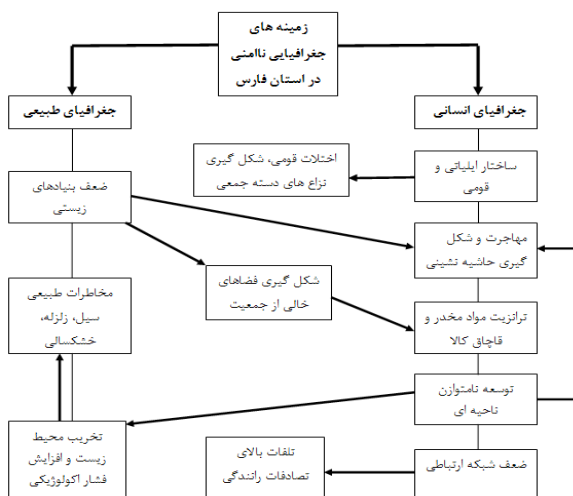
(وزارت کشور، ۱۳۸۴: مخاطرات طبیعی)



تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری

علم جغرافیا به عنوان یک رشته‌ی تخصصی و داشتن برخی از ویژگی‌های منحصر به فرد از جمله نگرش ترکیبی، قادر است به شناسایی دقیقی از مکان‌ها و فضاهای جغرافیایی بپردازد و تحلیلی کامل و کاربردی از علل شکل‌گیری عوامل تهدید کننده‌ی امنیتی در یک ناحیه‌ی مشخص جغرافیایی ارائه دهد.

استان فارس با وسعتی معادل ۱۲۲،۶۰۸ کیلومتر مربع و گستردگی در عرض جغرافیایی، از منظر عوامل جغرافیای طبیعی از جمله بارندگی، درجه حرارت، پوشش گیاهی، توپوگرافی و ... دارای تنوع قابل توجهی است. این تنوع جغرافیای طبیعی در ارتباط متقابل با ویژگی‌های اقتصادی، فرهنگی، جمعیتی و سیاسی، موجب شکل‌گیری جغرافیای انسانی متنوعی در گستره‌ی استان فارس شده است که آنها را می‌توان در چهارچوب جغرافیای فرهنگی، جغرافیای اقتصادی، جغرافیای سیاسی، جغرافیای جمعیت و حتی جغرافیای حمل و نقل (شبکه ارتباطی) تجزیه و تحلیل نمود. این ویژگی‌ها و زمینه‌های جغرافیایی، در سطح استان فارس در پاره‌ای از موارد به طور مستقیم یا غیر مستقیم و با دخالت متغیرهای واسطه‌ای در ایجاد پدیده‌هایی که امنیت و نظم را در استان فارس مختل می‌کنند، تاثیرگذار شده است. به طور کلی زمینه‌های جغرافیایی ناامنی، تنش و بحران را در استان فارس می‌توان در مدل زیر مشاهده کرد.



تعدادی از پدیده‌های جغرافیای طبیعی و انسانی دارای رابطه و کنش متقابل با یکدیگر هستند و اثرات یکدیگر را تشدید می‌کنند. در مجموع می‌توان گفت که پدیده‌های جغرافیایی



که موجب ناامنی و تنش در سطح استان می‌شوند، به دلیل ماهیت پایدار و بعد مکانی- فضائی آنها نسبت به سایر عوامل تهدید آفرین، به مراتب اهمیت بیشتری دارند. بنابراین شناسایی این پدیده‌ها و فرایند شکل‌گیری آنها از زوایا و جنبه‌های مختلف، کمک شایان توجهی را به نهادها و سازمان‌های مسئول حفظ امنیت در سطح استان مخصوصاً نیروی انتظامی می‌نماید.

منابع و مآخذ

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۱)، مراحل بنیادین اندیشه در مطالعات امنیتی، پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران.
- پور احمد، احمد (۱۳۸۸)، قلمرو و فلسفه جغرافیا، چاپ سوم، انتشارات دانشگاه تهران.
- تقوایی، مسعود (۱۳۸۹)، «بررسی و مقایسه شاخص‌های ششگانه جرم در سطح مناطق مختلف شهر شیراز»، فصلنامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۲۶، پاییز ۱۳۸۹.
- حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، انتشارات سمت، تهران.
- جغرافیای استان فارس (۱۳۸۵)، کتاب درسی سال اول دبیرستان.
- جمالی، فیروز (۱۳۸۱)، «مهاجران، شهرها و سازگاری مهاجران»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- علایی طالقانی، محمد (۱۳۸۲)، ژئومورفولوژی ایران، نشر قومس، تهران.
- عبادی نژاد، سید علی، صفاری، امیر، پناهی، حمید، پور غلامی، محمد رضا (۱۳۸۹)، «جغرافیای مواد مخدر نقش عوامل ژئومورفولوژیکی در قاچاق مواد مخدر از مرزهای جنوب شرق کشور»، فصلنامه مطالعات مدیریت انتظامی، سال پنجم، شماره سوم.
- طاهر خانی، حبیب‌الله (۱۳۸۱)، «ایجاد فضاهای قابل دفاع شهری»، فصل نامه مدیریت شهری، شماره ۹.
- قالیباف، باقر (۱۳۷۵)، بررسی نقش عناصر جغرافیایی در امنیت سیستان و بلوچستان، پایان نامه کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران.
- سلیمانی کرمانی، محمد رضا، جهانی، ته‌مین (۱۳۸۸)، «به کارگیری نرم افزار GIS در ارتقای ایمنی جاده‌ها»، فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک، سال چهارم، شماره ۱۴.
- شوارزی، عباس (۱۳۸۷)، «رابطه جغرافیا و امنیت با تاکید بر نقش و کار ویژه نیروی انتظامی»، فصلنامه دانش انتظامی، سال نهم، شماره چهارم.
- رجعتی، الهه (۱۳۸۹)، بررسی اثرات سکونتگاه‌های غیر رسمی بر امنیت شهری، نمونه موردی کلان شهر مشهد، دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت شهری، اردیبهشت ماه، مشهد.



- رئیس دانا، فریبرز (۱۳۸۱)، «بازار مواد مخدر در ایران (قیمت، مصرف و تاثیرگذاری تولید خارجی)»، مجله جامعه شناسی ایران، دوره چهارم، شماره ۲.
- کلانتری، محسن (۱۳۸۰)، بررسی جغرافیایی جرم و جنایت در مناطق شهر تهران، رساله دکتری
- کامران، حسن، شعاع برآبادی، علی (۱۳۸۸)، «بررسی امنیت شهری در شهرهای مرزی مطالعه موردی: شهر تایباد»، فصلنامه انجمن جغرافیای ایران، دوره جدید، سال هشتم، شماره ۲۵.
- محمدی، حمید رضا، غنجی، محمد (۱۳۸۵)، «چالشهای ژئوپلیتیکی مواد مخدر در جنوب غربی آسیا»، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره اول.
- معاونت مدیریت نظارت راهبردی ریاست جمهوری (۱۳۸۵) شناسایی نواحی کمتر توسعه یافته
- معاونت اجتماع ناجا (۱۳۸۵)، آمار و اطلاعات گزارش های منتشر نشده.
- نظریان، اصغر (۱۳۸۸)، «مهاجرت های قومی و تغییر ساختار اجتماعی شهرهای ایران»، فصلنامه پژوهش های جغرافیای انسانی،
- وزارت کشور، ۱۳۷۹: مطالعات طرح جامع تقسیمات کشوری، مطالعات سیاسی - امنیتی
- Meagan Elizabeth Cahill, (2004), Geographies of Urban Crime: An Intraurban Study of Crime in Nashville, TN: Portland, Or : and Tucson,.
- <http://www.jamejamonline.ir/newstext.aspx?newsnum=100886707874>
- <http://www.fa.wikipedia.org/wiki/%D>
- [http://www. Geopium. Org](http://www.Geopium.Org)